

جرم‌زدایی در سیاست جنایی اسلام و قوانین افغانستان

نوروزعلی اعتمادی*

چکیده

جرم‌زدایی شامل فرایندی است، که در سیستم‌های حقوقی، صلاحیت نظام کیفری را به‌عنوان عکس‌العمل خاص، نسبت به رفتارهای مجرمانه سلب نموده و وصف مجرمانه، از آن رفتار برداشته می‌شود، در دنیای معاصر، گرایش زیادی در راستای جرم‌زدایی وجود دارد، تا با دخالت حداقلی ضمن کاهش تورم قوانین، زمینه‌ی مشارکت شهروندان را فراهم نمایند، در این تحقیق اهدافی مانند جلوگیری از حجم قوانین کیفری پیشنهاد شده، تا قانون‌گذار با جرم‌زدایی از برخی موارد به این سمت حرکت نماید. در سیاست جنایی اسلام و قوانین افغانستان، جرم‌زدایی مبانی قابل دفاع دارد؛ زیرا انسان به حکم انسان بودن، دارای کرامت ذاتی است و حفظ حرمت افراد و احترام حریم خصوصی مانع جرم‌انگاری بوده و از طرفی ضرورت‌های اجتماعی عصر و زمان، گرایش به کاهش جرم‌انگاری داشته و جرم‌انگاری وسیع نمی‌تواند اهداف حقوق جزا را که تحقق عدالت باشد، تأمین نماید؛ در شریعت اسلامی جرایمی مانند حدود و قصاص که از ناحیه شریعت بیان شده قابل تغییر نیست. اما در مجازات‌های تعزیری با توجه به شرایط، اوضاع و احوال، دست حاکم شرع و قاضی مبسوط بوده و در بسیاری از عناوین که جامعه از آن متضرر نمی‌گردد، جرم‌زدایی ممکن است.

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و به نتایج خاص که کاهش قوانین کیفری است رسیده‌است؛ زیرا در قوانین کیفری افغانستان مصادیقی هست که جرم‌انگاری آن نه تنها مطلوب نیست، بلکه موجب اطاله دادرسی، و از طرفی جرم‌انگاری وسیع و گسترده سبب گسترش جمعیت مکان‌های سالب آزادی است.

واژگان کلیدی: جرم‌زدایی، جرم‌انگاری، کرامت انسانی، سیاست جنایی، تورم قوانین، اسلام.

مقدمه

هدف از جرم‌زدایی، کاهش تورم قوانین کیفری و محدود کردن مداخله دولت‌هاست؛ زیرا جرم‌انگاری وسیع، سبب افزایش میزان دخالت دولت و گسترش جمعیت اماکن سالب آزادی است. وضع و تدوین قوانین کیفری در جرم‌انگاری و اجرای مجازات، اصلاح و باز پروری مجرمان و بازگشت آن‌ها به جامعه است، اما آمارهای جنایی، نشان داده‌است، که پیش‌گیری از بزه‌کاری به دست نیامده و از طرفی وجود قوانین کیفری، تورم قوانین را به دنبال داشته است. از این‌رو، در سیاست جنایی، کشورها، به این نتیجه رسیده‌اند، که سیاست عدم مداخله یا محدود کردن دامنه شمول آن را در ابعاد مختلف جرم‌زدایی، در نظر بگیرند و مشکلات نهاد دادگستری را به حداقل رسانده تا به آزادی‌های اتباع کم‌تر خدشه‌ی وارد گردد.

جرم‌انگاری وسیع و گسترده، سبب و موجب کاهش حاکمیت دولت‌ها گردیده و میزان مشارکت مردمی را در سطح پایین قرار می‌دهد؛ اکثر نظام‌های اقتدارگرا به مسأله جرم‌انگاری، توجه کرده و از این طریق سلطه و اقتدار خود را بر اتباع شان گسترش می‌دهند، افزایش انواع جرایم و عناوین مجرمانه، جمعیت زندان‌ها و مکان‌های سالب آزادی را زیاد کرده و لطمه‌ی به آزادی‌های افراد و عدالت اجتماعی وارد می‌کند و از طرفی جرم‌انگاری، سبب می‌گردد که افراد بزه‌کار تماس بیش‌تری با نظام عدالت کیفری داشته باشد.

جرم‌انگاری وسیع و گسترده علاوه بر این‌که برخلاف کرامت انسانی است هزینه‌های مادی و معنوی زیادی را به بار می‌آورد، لازم است حکومت در مورد سلب آزادی افراد به حداقل اکتفا کرده و نباید به بهانه تأمین منافع عمومی، آزادی‌های مشروع شهروندان را نقض و یا سلب نمایند. یکی از راه‌های تضمین حقوق اتباع و شهروندان، جرم‌زدایی از اعمال افراد است «کاهش توسل به کیفرسازی هنجارها با تأکید بر آزادی و کرامت انسانی و نقد ضمانت اجراهای کیفری است.» (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۲) در این مقاله تلاش و

کوشش شده است، تا یکی از ابعاد سیاست محدودسازی حقوق کیفری (جرم‌زدایی) مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

۱. مفاهیم

۱.۱. تعریف جرم‌زدایی

اصطلاح «جرم‌زدایی» مرکب از دو واژه «جرم» و «زدایی» است. جرم از نظر لغوی به معنای بزه، گناه و انحراف آمده است. از منظر قانون، به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است.

دور کیم جامعه شناس فرانسوی در مورد تعریف جرم بیان می‌دارد: «جرم به اعمالی گفته می‌شود که حالات کاملاً آشکار وجدان جمعی جامعه را جریحه‌دار می‌کند. (گسن، ۱۳۷۹: ش ۲۹ و ۳۰، ۶۳)

واژه «زدایی» به معنای پاک کردن و از بین بردن آمده است. در تعریف جرم‌زدایی بیان و ارایه شده است: «جرم‌زدایی، شامل فرایندهایی است، که از طریق آن‌ها، صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجرا به‌عنوان واکنش نسبت به برخی از رفتارها، یعنی برای رفتارهای مجرمانه خاصی، سلب می‌شود. این عمل ممکن است به وسیله قانون‌گذاری یا با روشی که به موجب آن قوه قضاییه قانون را تفسیر می‌کند، انجام گیرد.

جرم‌زدایی، یعنی زدودن و از بین بردن وصف مجرمانه، از فعل یا ترک فعلی که دارای وصف مجرمانه بوده است، با توجه به ضرورت‌های جامعه، در برخی از مقاطع و در شرایط خاص، وصف مجرمانه از عمل‌کرد افراد، زایل می‌گردد.

به‌عنوان مثال، اگر کشوری در وضعیت نامطلوب اقتصادی قرار گیرد، مجازات‌های مالی و شدت جرایم و مجازات‌ها را دنبال کرده تا با معضل ایجاد شده مقابله نماید، سیاست جنایی کشورها، امروزه به طرف کاهش قوانین کیفری و جرم‌زدایی از اعمالی است؛ که ضرری کم‌تری را به دنبال دارد و از طرفی جرم‌انگاری وسیع و گسترده به صورت مقطعی و موقت، ممکن است اثر موقت داشته باشد.

مفهوم و واژه جرم‌زدایی پیشینه‌ی طولانی ندارد، با وجود این در تاریخ حقوق جزا، فرایندهای جرم‌زدایی، در زمان‌های مختلف وجود داشته است؛ هر چند به شکل برنامه نبوده است؛ زیرا میزان رفتارهای انسانی مجازات شدنی، نه دارای ثبات بوده و نه افزایش و کاهش بی‌وقفه داشته است. (گروهی از نویسندگان شورای اروپا، ۱۳۸۶: ۶۱)

در عصر حاضر مسأله جرم‌زدایی از آغاز سال‌های ۱۹۶۰م، به صورت بحث روز درآمده، این مسأله ابتدا با هدف تورم زدایی کیفری مطرح شده است. (وایت، هینس، ۱۳۸۱: ۳۲۰) جرم‌زدایی نقش اساسی در کاهش پرونده‌ها دارد، در غرب، از قرن شانزده توسط دانشمندانی مانند سزار بکاریا، اندیشه جرم‌زدایی، از قوانین کیفری ایجاد شد و در اوایل قرن بیست، این تفکر نظام‌مند گردیده و در کشور انگلستان، مورد توجه قرار گرفت. (همان) لازم است برای کاهش پرونده‌های (دوسیه‌ها) جنایی، به سمت و سوی جرم‌زدایی حرکت کرد، تا از تورم قوانین کیفری کاسته شود.

۲.۱. سیاست جنایی

سیاست جنایی برای اولین بار توسط حقوق‌دان آلمانی فویر باخ در کتاب «حقوق کیفری» استفاده شده است و در مفهوم ابتدایی و مضیق به مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم، واکنش نشان می‌دهد به کار گرفته شده است. (لازرژ، ۱۳۷۵: ۹) سیاست جنایی در مفهوم علمی و موسع، به کلیه تدابیر کنشی و واکنشی پیش‌گیرنده و مبارزه‌گر، در قبال پدیده جنایی و مسایل پیرامونی آن اطلاق می‌شود، که از سوی دولت و جامعه مدنی در بستری تعاملی و مشارکتی به اجرا گذاشته می‌شود. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۷۸) سیاست جنایی، با ترکیب دو واژه «سیاست» و «جنایی» یک ترکیب اضافی برای تعریف است. «مجموعه اصولی است که هیات اجتماع بر مبنای آن پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه» را سامان‌دهی می‌کند. (دلماست مارتی، ۱۳۹۳: ۶۹)

سیاست جنایی از نظر لغوی به معنای تدبیر و تدبیر و چاره اندیشی برای پدیده مجرمانه که در قلمرو سیاست جنایی، شامل کجروی و بزه کاری می شود، آمده است. سیاست جنایی، در واقع اعمال پاسخ های گوناگون در قالب آیین ها و شیوه های متنوع دادرسی معمول، در شعب مختلف نظام حقوقی و نیز جامعه مدنی است. (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳)

سیاست جنایی کلیه تدابیری است، که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می گردد. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۰، ۲۱)

سیاست جنایی به عنوان مجموعه اصول و روش هایی که از طریق به کار گرفتن ابزارهای مناسب برای مقابله و مبارزه با پدیده مجرمانه، از طریق قوه ی مجریه برای سامان دهی نظم عمومی جامعه، در مقابل نقض کنندگان آن کاربرد دارد.

۲. جرم زدایی و سیاست جنایی اسلام

در اسلام، رفتارها به دو نحو جرم شناخته می شوند در برخی موارد فعل مجرمانه و مجازات آن در منابع شرعی بیان شده است مانند سرقت و...، در برخی موارد دیگر، تعیین جرم بودن یک رفتار و میزان مجازات آن، به حاکم اسلامی واگذار شده است، که با رعایت قواعد حکم دین و در محدوده اصول آن، به جرم انگاری پردازد. جرایم نوع اول ثابت و مستمر بوده و با تغییر و تحول اجتماعی و روند نظام های سیاسی تغییر نکرده و مشمول جرم زدایی قرار نخواهد گرفت، ولی جرایم نوع دوم که شامل جرایم غیر از حدود و قصاص است، در صورت تحقق عوامل جرم زدایی، رفع خصوصیت مجرمانه، امری ممکن است و اسلام با این پدیده، مخالفی ندارد.

اسلام به عنوان دین جامع و کامل در قبال جرم و انحراف، متناسب با شرایط زمانی و مکانی سیاست جنایی مشخصی دارد، تا برای تأمین نظم و امنیت جامعه، واکنش های سرکوب گری را داشته باشد؛ یکی از ویژگی های سیاست جنایی در دفاع از جامعه، جرم زدایی است.

اما اعمال و رفتاری که موجب فساد نگردد و از طرفی وسعت و دامنه شمول آن عمل گسترده و وسیع نیست، جرم‌انگاری آن، نه تنها ضرورت ندارد، بلکه باید نسبت به آن رفتار جرم‌زدایی شود و در بسیاری موارد، شخصی که فعل حرامی را مرتکب شده است نباید عمل حرام خود را اظهار و برای دیگران بازگو نماید، که نفس بازگو کردن فعل حرام است.

جرم‌انگاری کارآمد و مؤثر یکی از دغدغه‌های جدی نظام قانون‌گذاری در هرکشوری است. در صورتی که جرم‌انگاری به صورت غیرکارشناسی و بدون رعایت اصول و قواعد صورت بگیرد در عمل شاهد خواهیم بود که یا قوانین ناعادلانه فرصت‌ها را برای افراد جامعه محدود می‌کنند یا قوانین با وجود آن‌که پشتوانه کیفری دارند اعتباری نزد ملت ندارند و توسط افراد و اشخاص آن‌ها اجرا نمی‌شوند و بدین ترتیب علاوه بر این که بر شمار قوانین متروک افزوده می‌شود، اقتدار و صلابت حقوق کیفری درهم می‌شکند. (حاجی‌ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۳: ۵۲)

۳. مبانی جرم‌زدایی

۱.۳. دفاع از کرامت انسانی

انسان در آموزه‌های دینی جایگاهی والایی دارد. قرآن کریم به صراحت، به کرامت و ارزش ذاتی انسان اشاره دارد و خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم. (اسراء/ ۱۷)

انسان در خلقت دارای کرامت است و این ویژگی سبب تمایز انسان از سایر موجودات، می‌گردد و تاج افتخاری است که خداوند عنایت فرموده است، این کرامت به اندازه‌ی از اعتبار برخوردار است که از طرف خداوند به همه ملائکه‌ها دستور داده شد که در برابر این موجود کریم، سر تعظیم فرود آورده و سجده نمایند و فرشته‌ی که از این امر خودداری کرد، مورد خشم و غضب الهی قرار گرفت و از رحمت خداوندی

محروم گردید؛ بدون تردید، بشر این ویژگی (کرامت) را همواره با خود همراه داشته و دارد؛ این ویژگی انسانی، از روح الهی نشأت گرفته است.

بدیهی است، بی‌حرمتی و پاس نداشتن به این صفت الهی ممنوع و سرنوشتی بهتر از ابلیس را نخواهد داشت. ارزش و کرامت انسان و هدفی که خداوند انسان را برای آن خلق کرده است از جایگاه والایی برخوردار است. با توجه به این ویژگی ذاتی انسان، دولت‌ها محدودیت دارد و ضمانت اجراهای کیفری مورد نقد قرار می‌گیرد. مگر در موارد خاص که ضرورت آن غیر قابل انکار است.

طبق دیدگاه خدا باوران، کرامت انسانی موهبتی خدادادی است؛ کل عالم و آنچه در آن است، مخلوق خداوند است و از یک اراده مطلق و برتر ناشی شده است. (رحمانی، مؤذنی، ۱۳۹۵: ۲۸)

انسان موجودی است که از روح خداوند به او دمیده شده است. از این‌رو، از سایر موجودات برتر است سایر موجودات برای بشر و انسان آفریده شده تا بتواند از آن استفاده نماید برتری انسان نسبت به سایر موجودات به‌گونه‌ای است که به ملائک دستور تعظیم داده شده است.

در یک تقسیم‌بندی، کرامت به ذاتی و کرامت ارزشی یا اکتسابی تقسیم شده است. کرامت ذاتی که از فطرت انسان سرچشمه گرفته است از راه عقل کشف می‌گردد، مانند نعمت حیات و زندگی، و با لطف خداوند، انسان موجودی است که استعداد ترقی و پیشرفت را دارا است. کرامت ذاتی انسان مورد پذیرش همه ادیان الهی و شمار قابل توجهی از مکاتب حقوقی و اخلاقی است، اما در دوران معاصر برخی از مکاتب بشری از جمله نظام حقوق بین‌الملل بشر از دیدگاه غرب، کرامت انسانی را منحصر به همین کرامت ذاتی کرده‌اند و از کرامت ارزشی سخن به میان نمی‌آورند. در حالی که قایلان به کرامت ارزشی انسان، معتقدند: مرتبه این نوع کرامت بالاتر است و حرکت کمالی انسان‌ها در این مسیر محقق خواهد شد. (همان: ۲۲۵)

کرامت اکتسابی مربوط به اموری است که انسان با تلاش و کوشش خویش به دست می‌آورد. (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹) کرامت اکتسابی که با تلاش و سعی افراد به دست

می‌آید و عده‌ی در سایه پاکی، تقوای الهی و عمل صالح به کمالات بزرگ انسانی نایل می‌گردند و در نتیجه، اجر الهی را کسب می‌نمایند، اما گروهی هم با پشت کردن به ارزش‌های والای انسانی عمل ظالمانه را در پیش می‌گیرند و مصداق: (اولئک کالانعام بل هم اضل) قرار می‌گیرند و در قهقرا سقوط می‌کنند.

از آیات و احادیث معتبر استنباط می‌گردد که کرامت انسان، ذاتی بوده و در حوزه‌ی جرم‌انگاری، نباید این صفت ذاتی الهی (کرامت) خدشه‌دار گردد و هم‌چنان در روایات معتبر اسلامی این صفت (کرامت) مورد توجه قرار گرفته است امیرمومنان امام علی^(ع) درباره پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «جَعَلَهُ اللهُ بَالِغاً لِرِسَالَتِهِ وَ كَرَامَةً لَامَتِهِ وَ رَبِيعاً لِهَلِّ زَمَانِهِ وَ رَفْعَهُ لِعَوَانِهِ وَ شَرَفاً لَانصَارِهِ»؛ خداوند پیامبر اکرم^(ص) را ابلاغ‌کننده رسالت، مایه کرامت امت، چونان باران بهاری برای تشنگان حقیقت در آن زمان، مایه سربلندی مسلمانان و عزت و شرافت یارانش قرارداد. (سیدرضی، ۱۴۱۴: خ ۱۸۹)

هم‌چنین امیرمومنان امام علی^(ع) درباره اهل‌بیت^(ع) پیامبر گرامی اسلام^(ص) می‌فرماید: «فِيهِمْ كَرَامَاتُ الْقُرْآنِ وَ هُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ إِنْ نَطَقُوا صِدْقاً وَ إِنْ صَمَتُوا لَمْ يَسْبِقُوا»؛ همه حقایق کریمه قرآن در اهل‌بیت^(ع) متجلی است و در اثر علم سرشار، دارای تقوای وافرند و مظهر کریم اند. (همان، خ ۱۵۴)

جانشینی و خلافت انسان در روی زمین ریشه، در کرامت ذاتی دارد و یکی از جلوه‌ها و مظاهر کرامت انسان، مقام جانشینی نسبت به ذات اقدس الهی است، که در قرآن به‌عنوان خلیفه‌الله یاد شده‌است. (رحمانی زروندی، ۱۳۸۹: ۴۲)

با توجه به آیات و روایات، انسان دارای مقام بلند و عنوان جانشینی خداوند را در روی زمین دارد. در مقام جرم‌انگاری، قانون‌گذار با توجه به مقام و جایگاه انسان و با در نظر داشت کرامت انسانی و ارزش انسان، رفتار و اعمال او را جرم‌انگاری نماید و در جرم‌انگاری مقام جانشینی و خلیفه‌اللهی را در نظر گیرد.

۲,۳. همسو با مقتضیات زمان و مکان و تغییرات جوامع

یکی از اصول که در جرم‌زدایی مورد توجه قرار گرفته است، هماهنگی و همسو بودن با جامعه بین‌الملل، در راستای به حداقل رساندن، دخالت در حوزه آزادی‌های فردی

است، تا کشورها بتوانند ضمن رعایت موازین بین‌المللی در عرصه جهانی خود را نشان داده و در میان کشورها به رسمیت شناخته شود، امروزه در حوزه حقوق بشری و رعایت آزادی‌های فردی، کشورها تلاش دارند تا ضمن رعایت قواعد و مقررات، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی را به رسمیت بشناسند. (دهقان، ۱۳۷۷: ۷۴)

جوامع انسانی با پیش‌رفت‌های چشم‌گیری که در مراحل مختلف علمی فنی و... در حوزه‌های مختلف دارند، مقتضیات هر عصر و زمان بر مسایل مختلف قابل انکار نیست؛ احکام اسلامی نیز با توجه به تغییرات جهانی و رشد علم و تکنولوژی و با استفاده از احکام حکومتی تغییراتی داشته است، مانند احکامی که در نظام جمهوری اسلامی در مورد تساوی دیه‌ی اقلیت‌های رسمی دینی با مسلمانان، به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. (تبصره ماده ۲۹۷، ۱۳۸۲/۱۰/۶)

احکام اسلامی، یا ثابت و غیرمتغیر است یا احکام متغیر؛ در احکام ثابت، تفاوتی میان معاملات و عبادات نیست، در این مورد جرم‌زدایی امکان پذیر نیست و مجازات ثابت بوده بلکه در هر زمان و مکان باید اجرا گردد در مورد احکام، میان فقیهان مسلمان نظرات مختلفی ارایه شده است:

الف. عده‌ی از فقیهان، بر این عقیده هستند که احکام اسلامی ثابت و غیرقابل تغییر است و در این نوع احکام، جرم‌زدایی نیز امکان پذیر نیست.

ب. عده‌ای از فقیهان، شرایط زمان و مکان را در احکام اسلامی مؤثر دانسته و معتقدند: احکام، براساس مصالح و مفاسد، پایه‌گذاری شده است و هدف از اجرای احکام، دستیابی و رسیدن به مصالح است. حاکم اسلامی در سیاست‌گذاری جنایی، سیاست‌های مناسب را در اجرای احکام فراهم نماید. حتی حاکم اسلامی در حقوق الناس مانند قصاص، می‌تواند، از اجرای قصاص جلوگیری کند. (دهقان، ۱۳۷۷: ۷۵)

به‌عنوان مثال، حاکم اسلامی می‌تواند در موارد زیر، از اجرای قصاص جلوگیری کند:

۱. جایی که اجرای قصاص، با امر مهم‌تر دیگری، در تزاحم باشد و مفسده‌ی را به دنبال، داشته باشد. مثلاً اجرا کردن قصاص باعث فتنه و جنگ گردد و قاتل تبعه آن کشور باشد.

۲. حاکم اسلامی، تشخیص دهد: مصلحتی در بخشیدن بزه‌کار است و در این صورت، قصاص، تبدیل به دیه گردد.

با توجه به احکام و شرایط موجود و تغییرات موضوع، فقیهان معاصر (اعم از اهل سنت و تشیع)، به نقش زمان و مکان در استنباط، گرایش دارند و در روایات اسلامی نیز، زمان و مکان در دگرگونی احکام اسلامی اثرگذار است؛ زیرا تغییرات، یا به سبب تغییر موضوعات است یا به سبب تبدیل ملاک‌های احکام است و یا دلایلی دیگری سبب تغییر حکم می‌گردد، مانند روایتی که از حضرت امیرمؤمنان امام علی^(ع) در توضیح کلام رسول خدا^(ص) که فرمود: «غیروا الشیب ولا تشبهوا بالیهود»؛ ظواهر و آثار پیری را تغییر دهید و خود را شبیه یهود نسازید، آمده است: «إِنَّمَا قَالَ (ص): «ذَلِكَ وَالِدَيْنِ قَلْبٌ، فَأَمَّا الْآنَ وَ قَدْ اتَّسَعَتْ نِطَاقُهُ وَ ضَرَبَ بِجِرَانِهِ فَا مَرُوءٌ وَ مَا اخْتَارَ»؛ رسول خدا^(ص) این مطلب را هنگامی فرمودند: اهل دین اندک بودند؛ اما اینک که دین گسترش پیدا کرده و استقرار یافته است، هرکسی به اختیار خود است.» فقیهان مذاهب مختلف اسلامی معتقدند: احکام با تغییر زمان، مکان و اخلاقیات مردم تغییر می‌کنند.» (سیحانی، ۱۳۸۴: ۴۳)

فقیهان مذاهب اسلامی همزمان با تغییر زمان و مکان احکام اسلامی را نیز تغییر داده اند به‌عنوان مثال در صدر اسلام افرادی بودند که خون را می‌خوردند و از این رو، خرید و فروش آن حرام بود، اما امروزه چون موضوع عوض شده خرید و فروش آن برای نجات جان انسان است و معامله آن نیز حرمت ندارد. این مسأله از مصادیق تغییر زمان و مکان در حکم است.

۳,۳. تأثیر زمان و مکان

مراد از تأثیر زمان و مکان این است، که نیازهای واقعی انسان و انواع تحولات واقعی، شناسایی گردد و قوانین هماهنگ با آن، از منابع اسلامی توسط متخصصان امور، استخراج و به جامعه عرضه گردد. (دهقان، پیشین: ۴۰)

البته باید گفت: زمان و مکان نه تنها بر مصادیق و موضوعات اثرگذار است، بلکه در نفس حکم شرعی نیز اثر دارد، ولی این که آیا تمام احکام متأثر از زمان و مکان است یا برخی از آن، در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد، اما این نکته را باید تذکر داد که

احکام و قوانین اسلامی در چارچوب معینی قابلیت انعطاف را دارد و با توجه به شرایط، جای خود را به حکم دیگر یا نقیض خود واگذار می‌کند. به صورت کلی احکام اقسامی دارد مانند:

الف. احکام امضایی

احکام امضایی، احکامی هستند که قبل از اسلام سابقه داشته و عرف و عقلا آن را معتبر دانسته یا وضع کرده و بدان عمل کرده‌اند و عیناً یا با اصلاحاتی از سوی شارع پذیرفته شده‌است. اهمیت تفاوت این دو نوع احکام در آن است که اگر حکمی امضایی باشد، مطالعه چگونگی اعتقاد مردم و نحوه اجرای حکم در زمان امضای آن در شناخت آن نقش مهمی دارد. (مشکینی، ۱۳۷۶: ۷۰) احکام امضایی گاهی ریشه در شرایع گذشته دارد و گاهی ناشی از عرف زمان و بنای عقلا است. شارع حکمی خاص را نداشته و در واقع این امور را به عقل انسان واگذار کرده‌است. (نخعی‌پور و سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۰)

در احکام اسلامی، اگر احکام امضایی باشد، شریعت اسلامی آن را تأیید و امضا کرده است و به آن عمل می‌کند و به مرور زمان و با فرهنگ‌سازی، جامعه را سمت و سو می‌دهد تا آن حکم را لغو نماید، مانند برده‌داری که در ابتدا اسلام به‌عنوان یک دین نتوانست با این پدیده مبارزه نماید و به مرور با این مسأله برخورد کرده و امروزه چنین مسأله‌ی وجود ندارد.

ب. احکام تأسیسی

احکام تأسیسی، احکامی است، که شارع مقدس بدون هیچ سابقه‌ی نزد عرف و عقلا بر پیامبر^(ص) نازل شده‌اند؛ مانند بسیاری از احکام عبادی هم‌چون: احکام نماز، غسل، وضو و تیمم. در قرآن کریم مواردی زیادی از احکام تأسیسی وجود دارد مانند منع ازدواج هم‌زمان با دوخواهر (نساء/ ۲۳)

شناخت احکام امضایی و تأسیسی، در فهمیدن و شناخت آیات و روایات نقشی بسزایی دارد و شناخت رفتارها و سنت‌های ناپسند که در زمان جاهلیت وجود داشته است و شناخت روش‌های مقابله اسلام با عادت‌های نادرست در فهم آیات مربوط اثر گذار است.

جرم‌انگاری و اعمال ضمانت اجرای کیفری یک استثنا بوده و اصل در قواعد حاکم بر زندگی اجتماعی، غیرکیفری بودن است. از مجموع قوانین حاکم بر زندگی اجتماعی، بخش زیادی از آن دارای ضمانت اجرای غیرکیفری است که تحت عنوان اصل حداقلی بودن حقوق جزا یا اصل صرفه‌جویی کیفری به‌عنوان آخرین وسیله یا اصل استثنایی بودن جرم‌انگاری گفته می‌شود؛ قاعده‌ای که به ظهور سیاست کیفری تقلیل‌گرا انجامیده است. (غلامی، ۱۳۹۲: ۱۸) به هر ترتیب می‌توان گفت: خلق اصل حداقلی بودن حقوق کیفری در گرو شناسایی حق بر مجازات نشدن برای انسان در کنار سایر حقوق وی بوده است. (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۷۳)

یکی از وجه تمایز انسان با سایر موجودات، مانند حیوانات رفتار اخلاقی است؛ زیرا انسان، آزادانه با کمال آزادی و اختیار، نوع رفتار خود را انتخاب و منش خود را مشخص می‌نماید و این رفتار که به‌لحاظ مادی و ظاهری، اخلاقی است باید منبعث از اراده نیک و نیتی خیر باشد، تا آن را رفتاری اخلاقی نام نهاده و تحسین نماییم. این تعبیر مورد اجماع همه فلاسفه اخلاق بوده و از جمله «کانت» بر آن تأکید فراوان دارد. وی در کتاب مابعدالطبیعه اخلاق می‌گوید: هیچ چیزی بدون قید و شرط، خیر نیست مگر اراده نیک و نیت خیر و از این‌رو، از اراده نیک به‌عنوان «خیر مطلق» یاد می‌کند. (رضایی، ۱۳۷۹: ۵۵)

اراده نیک داشتن، از ویژگی‌های افراد انسان است که به حکم انسان بودن این ویژگی‌ها و خصایص را دارا است و این مسئله سبب و موجب تمایز انسان از سایر موجودات مانند حیوانات است.

۴.۳. تورم و افزایش قوانین کیفری

افزایش فزاینده عنوان‌های مجرمانه مورد انتقاد دانشمندان از گذشته‌های دور قرار گرفته است و برای نخستین بار در سال ۱۷۴۸م، در کتاب روح‌القوانین، مورد اشاره واقع گردیده است. «منتسکیو» تورم کیفری را موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به هیئت حاکمه می‌داند. (منتسکیو، ۱۳۱۳: ۲۰۰) هم‌چنان سزار بکاریا، با الهام از او بر لزوم کاهش عناوین مجرمانه، به‌عنوان دومین اصل حاکم بر حقوق کیفری، اشاره می‌کند.

اگر قوانین کیفری متعدد باشد، شهروندان نمی‌توانند، از همه آنها تمکین کنند و عدم تمکین قوانین کیفری چون با ضمانت‌های اجراهای شدید همراه است، سبب عکس‌العمل تند جامعه گردیده و در صورت برخورد شدید بنیان حکومت متزلزل خواهد گردید.

به عقیده «سزار بکاریا» آنچه جامعه را از خطر جرایم حفظ می‌کند، حتمی بودن کیفرها است، نه تصویب مداوم و پی در پی قوانین کیفری. استفاده از ضمانت اجرای کیفری در مبارزه با جرایم و اصلاح بزه‌کار باید به‌عنوان راه‌کار باشد.

۵.۳. دخالت حداقلی در حوزه اخلاق در سایه حق بر مجازات نشدن

در حوزه اخلاق دخالت حاکمان، به‌صورت حداقلی باید انجام گردد و در صورت مجازات کردن هم در حد ممکن نباید مجازات‌ها، تزدیلی و تحقیری باشد، بلکه باید انسانی و از شدت مجازات‌ها نیز کاسته شود. (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ۳۲۹)

در اسناد بین‌المللی مانند ماده «۵» اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیان شده‌است: هیچ‌کسی نباید مورد شکنجه یا بی‌رحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد.

در ماده هفتم کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و اعلامیه مجمع عمومی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۷۵م، بر حمایت از انسان‌های که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه، غیرانسانی و رفتارهایی که باعث سلب حقوق مدنی و اجتماعی آنها می‌شود، شکنجه را منع کرده است.

در قانون‌گذاری نیز هدف حمایت از ارزش‌های اخلاقی است؛ با توجه به مکاتب و نظام‌های حقوقی گوناگون، نظام حقوقی غرب که از اندیشه‌های لیبرالیستی متأثر است، حمایت حداقلی از اخلاقیات را دارد، اما در نظام حقوق کیفری اسلامی در حوزه اخلاق توجه لازم و کافی صورت گرفته و نهادهای کیفری، به هدف تحقق عدالت پایه‌ریزی گردیده که این خود یک مفهوم اخلاقی است.

۶,۳. برسمیت شناختن حریم خصوصی

جرم‌انگاری رفتار اشخاص، در واقع زیر نظر گرفتن اعمالی است، که انسان آن را مرتکب شده‌است. یکی از مبانی جرم‌زدایی، عدم ورود به حریم خصوصی است. در آموزه‌های دینی و هم‌چنان در قوانین و اسناد بین‌الملل این مسأله مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا شکستن حریم خصوصی، در حقیقت ضربه زدن به کرامت انسانی است؛ نقض حریم خصوصی، در قرآن کریم مورد نهی قرار گرفته است.

در قرآن کریم فرموده‌است: «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و برخی از شما غیبت بعضی را نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید از خدا بترسید که خدا توبه پذیر و مهربان است.» (حجرات/ ۴۹)

هم‌چنین پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «من مأمور نیستم از نهان و پنهان مردم جست و جو کنم.» (متقی هندی، ج ۳، ش ۵۳۰۵۱) امام جعفر صادق (ع) فرمود: از مرام و باورهای مردم جست‌وجو مکن تا تنها و بی‌همراه بمانی. (ری شهری، ۴۴: ج ۱، ۱۹۳)

۴. ضرورت جرم‌زدایی، در برخی از مواد کد جزا

مواردی زیادی در کد جزا، جرم‌انگاری شده‌است، با توجه به مطالبی که بیان شد؛ جرم‌انگاری این موارد نه تنها ضرورت ندارد، بلکه سبب تورم قوانین و بی‌توجهی افراد می‌گردد. از باب نمونه مواردی که لازم است جرم‌زدایی گردد عبارتند از:

۱,۴. توريد محصولات نباتی بدون اجازه‌نامه.

ماده ۸۲۵ کد جزای افغانستان مقرر می‌دارد: «۱. شخصی‌که بدون اخذ اجازه‌نامه نباتات، محصول نباتی و سایر اقلام تنظیم شده مندرج قانون حفاظت نباتات و قرنطین را وارد کند به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد.»

قانون‌گذار، در این ماده قانون مزبور، شخصی را که بدون اجازه مقامات دولت، محصول نباتی یا سایر اقلام که در جهت حفظ قانون نباتات در نظر گرفته شده‌است را وارد نماید به حبس قصیر محکوم دانسته‌است.

۲،۴. تولید یا توريد مواد نفتی یا گاز مایع بی کیفیت

ماده ۸۱۱ کد جزا مقرر می‌دارد: «شخصی که مواد نفتی یا گاز مایع بی کیفیت را بدون در نظر داشت معیارهای ملی استاندارد، تولید یا توريد نماید، علاوه بر مصادره مواد نفتی بی کیفیت به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.»

در این دو ماده و سایر مواد، قانون‌گذار تولید و یا وارد کردن مواد نفتی یا گاز مایع بدون کیفیت را جرم دانسته و مجازات حبس قصیر (۱-۳) سه ماه تا یکسال در نظر گرفته است.

۳،۴. چیدن پسته و جلغوزه قبل از موعد مقرر

ماده ۸۲۵ کد جزا مقرر داشته است: «شخصی که قبل از اعلان وزارت زراعت، آبیاری و مال‌داری، پسته یا جلغوزه را قبل از موعد معین (شکست و شول) بچیند، علاوه بر استرداد حاصلات جمع‌آوری شده، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.»

قانون‌گذار برای متخلف، مجازات حبس قصیر را در نظر گرفته است. در حالی که با این نوع جرم‌انگاری، زندان‌های کشور مملو از جمعیت زندانی می‌گردد، که هم برای حکومت هزینه‌های جانبی را به دنبال دارد و هم برای خانواده‌ها مشکلاتی را به بار آورده و آسیب‌های جبران ناپذیری را برای فرزندان فرد زندانی ایجاد می‌کند.

می‌توان برای رفع تورم قوانین کیفری در بسیاری از موارد از جمله این چند مورد از باب نمونه را جرم‌زدایی نمود؛ زیرا جرم‌انگاری بیش‌تر به آزادی‌های مردم لطمه می‌زند و از طرفی تکالیف نهادهای مختلفی مانند دادسراها، دادگاه‌ها، اداره زندان و... را بیش‌تر می‌نماید. از طرفی دخالت‌های کیفری حکومت، دستگاه قضایی را از پرداختن به اهداف و کارکردهای اصلی شان که در قانون اساسی بیان شده‌است باز می‌دارد.

بنابراین، برای جلوگیری از تورم قوانین کیفری، لازم است، مجموعه قوانین کیفری افغانستان جرم‌انگاری را به حداقل رسانده و در بسیاری از ماده‌های کد جزا جرم‌زدایی

شود. کد جزا به‌عنوان مجموعه قوانین جزایی جرم‌انگاری را به‌صورت گسترده و وسیع در نظر گرفته است، که این مسأله ضمن تورم قوانین کیفری، باعث دخالت‌های حد اکثر دستگاه عدلی و قضایی می‌گردد.

هم‌چنان افزایش عناوین کیفری، عکس‌العمل افراد جامعه را به‌صورت عمل بر خلاف این مقررات (جرم)، به‌عنوان انتقام در برابر مسؤولان جامعه به دلیل تحدید آزادی آنان در پی دارد. درست به همین دلیل است که به عقیده برخی، به کارگیری بیش از اندازه ضمانت اجراهای کیفری، در حد بیش‌تری خشم و مبارزه افراد نسبت به اجرای قانون را بر می‌انگیزاند. (شرمن، ۱۳۷۴: ۷۵)

طبیعی است با جرم‌انگاری بی‌حد و حصر، جمعیت زندان گسترش یافته، از طرفی آفات زندان را نمی‌توان نسبت به زندانیان و خانواده‌های آنان، انکار کرد اما با جرم زدایی، زندان زدایی نیز صورت می‌گیرد و از آفت‌های احتمالی که زندان دارد کاسته می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی جرم‌زدایی و ضرورت کاهش جرم، حفظ کرامت ذاتی انسان و حرمت حریم خصوصی، در سیاست جنایی اسلام، در حوزه تعزیرات با وجود مصالح و مفاسد، حاکم اسلامی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال، می‌تواند جرم‌انگاری را کاهش داده و یا از رفتاری خاص جرم‌زدایی نماید.

در سیاست جنایی کشورها و سیاست جنایی افغانستان، جرم‌زدایی می‌تواند تورم قوانین کیفری را کاهش دهد از طرفی هزینه‌های دولت و درگیر بودن نهادهای دادستانی و قضایی کاهش یافته و زمینه مداخله به حداقل می‌رسد.

مصادیقی وجود دارد که لازم نیست جرم‌انگاری گردد، در قوانین کیفری افغانستان، جرم‌انگاری وسیع و گسترده، صورت گرفته در حالی که با تدابیری می‌توان جرم‌انگاری را کاهش داده و جمعیت زندان‌ها را به حداقل رساند و از آسیب‌های زندان، افراد را مصون و در امان نگه‌داشت. خصوصاً در بیست سال گذشته و تحت تأثیر اندیشه‌ها و افکار غربی قوانینی به تصویب رسیده است، که آن را حجیم و گسترده کرده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، گردآورنده هوشنگ ناصرزاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۳. حسینی، سیدمحمد، «سیاست جنایی (مفاهیم مدل‌ها)» مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۱، ۱۳۷۶.
۴. حاجی‌ده‌آبادی، احمد و سلیمی، احسان، «اصول جرم‌انگاری در فضای سایبر (با رویکرد انتقادی به قانون جرایم رایانه‌ای)»، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۸، ۱۳۹۳.
۵. جعفری، محمدتقی، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۶. دهقان، حمید، «تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام»، شماره ۴۰، ۱۳۷۷.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۸. رضوی، محمد، جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح، انتشارات هستی نما، ۱۳۸۴.
۹. ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۱۰. رحمانی، ابراهیم و مؤذنی، سیامک، «جایگاه کرامت انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۴۸، ۱۳۹۵.
۱۱. رحمانی زروندی، محمد، «کرامت انسان در قرآن و روایات» نشریه کوثر معارف، شماره ۱۳، ۱۳۹۹.
۱۲. سبحانی، جعفر، مجله فقه اهل‌بیت^(ع)، شماره ۴۳، ۱۳۸۴.
۱۳. سعیدی، محمدعلی، نخعی‌پور، قاسم، «تبیین احکام امضایی و تأثیر آن در استنباط احکام فقهی»، نشریه آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۶، ۱۳۹۶.
۱۴. شهید اول، الدروس الشرعیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۵. شرمن، لاورونس، «جرم‌شناسی و جرم‌انگاری»، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند؛ مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۳، ۱۳۷۴.
۱۶. صادقی، محمدهادی، جرایم علیه اشخاص، چاپ ششم، میزان، تهران، ۱۳۸۲.

۱۷. طوسی، جعفر بن محمد بن حسن، الخلاف، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۸ق.
۱۸. غلامی، حسین، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، فصلنامه حقوق کیفری، ش ۲، ۱۳۹۱.
۱۹. قیاسی، جلال‌الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۰. کد جزای افغانستان، ۱۳۹۶.
۲۱. گسن، ریموند، «آیا جرم وجود دارد» ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۰-۲۹، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
۲۲. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۲۳. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، موسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ش.
۲۵. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، تهران، موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
۲۷. مهرا، نسرین، «درآمدی بر جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲-۲۱، زمستان ۱۳۷۶ و تابستان ۱۳۷۷.
۲۸. میوه یان، میلاد، جرم‌زدایی در قوانین جزایی کنونی، [بی‌جا]، قانون‌یار، ۱۳۹۷.
۲۹. میری، دل‌ماس، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۳۰. میل، جان استورات، فایده‌گرایی، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳۱. محمودی، جواد، «قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری»، مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه رضوی، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۳۸۵.